

شهید علیرضا چشم آلوس



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	صفر
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۳/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۰۶/۰۱
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	دیپلم
مدفن	بوشهر

زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه : پاسدار شهید علیرضا چشم آلوس

شهید علیرضا چشم آلوس در اوایل خرداد سال ۱۳۴۳ شمسی در شهرستان برازجان دنیا آمد دوران طفولیت را در برازجان و بوشهر سپری نمود تا اینکه دوران تحصیل شروع گردید کلاس اول تا چهارم دبستان را برحسب موقعیت شغلی پدرش در تهران گذرانید و بخاطر ممتازیش در کلاس کارنامه افتخار کسب نموده سال پنجم دبستان و کلاس اول راهنمایی را در برازجان به پایان رسانید بعد از اتمام این دو سال همراه با خانواده اش به بوشهر غنیمت کرده و کلاس دوم و سوم راهنمایی را در مدرسه ۲۲ بهمن (مهران سابق) گذرانید.

دوران تحصیلی دوم متوسطه ۱ در دبیرستان سعادت بوشهر گذرانید در همین چهار سال آخر هم درسی و زکاوتش و ایمان و اعتقادش را زبانه زد همه بود. شهید از سوم راهنمایی تا آخر سال تحصیلی دبیرستان فعالیت تبلیغاتی و هنری و هم چنین در انجمن های اسلامی نقش سازنده ای داشتند.

در دوران انقلاب پا به پای دیگر همکلاسانش بر علیه رژیم طاغوت در افشاگری و راهپیمائی شرکتی بس فعال داشتند. بعد از پیروزی انقلاب عضو فعال انجمن اسلامی دبیرستان سعادت بود در ارشاد و راهنمایی دیگر محصلان بر علیه گروهکها و منافقین شبانه روز تلاش فراوان داشت. در خانواده ای متوسط و با ایمان متولد شده بود. اخلاق و رفتارش در خانواده و فامیل نمود والگو بود. علیرضا کم حرف و صبور بود همه اهل منزل و فامیل و دوستان را به تقوای ایمان بخدا و خواندن کتابهای دینی و مذهبی سفارش می نمود. محبوبیتی بس عجیب بین دوستان و آشنایان داشت. نماز و روزه اش هیچوقت ترک نمی شد. نمازش نیز زبانه زد خاص و عام بود.

همه را سفارش می کرد که در صحنه باشند و جلوتوطئه های منافقین و دیگر گروهکها بایستند همه را به سرکشی به خانواده شهید و شرکت در نماز جمعه سفارش میشود. علاقه شدیدی به جمع آوری عکس داشت. دست خط و نقاشی او زبانه زد همه بود. به هجرت کردن و معاشرت در راه خدا علاقه فراوانی داشت. شهید به رشته پزشکی علاقه زیادی داشت. اوقات بیکاری در منزل همه افراد را به تدریس قرآن و دروس ایدئولوژی یکی هدایت مینمود. پس از خاتمه دوران دبیرستان رسماً وارد سپاه شد و مدت دو سال واندی در سپاه بود و بطور داوطلب مداوم به جبهه های مختلف اعزام شده بود. در طرح لیبک او ۲ و ۳ بصورت گسترده ای در جبهه شرکت داشت در جبهه های دهلران عین خوش □ دشت عباس □ ابوغریب - فکه □ اهواز - خرمشهر - جزیره مینو - زبیدان جزایر مجنون بر علیه کفر صدامی شرکت داشت. عارفی بود متقی و سربازی بود بی باک و شجاع و سرداری بود برای اسلام آفرین ماموریتی که اسمش نیز در لیست مامورین اعزام نمود که تا حدود ساعت ۱۱ شب تلاش فراوان نمود که به اجبار به جبهه برود زیرا مسئولین سپاه احتیاج فراوان در پشت جبهه به او داشتند که بالاخره موفق می شود ایشان را جز □ برادران اعزام ثبت نام کنند. دلش میخواست در راه اسلام و انقلاب اسلامی شهید شود که آخرین ماموریتی نیز جزیره مجنون بود وقتی که یکی از برادران هم رزمی عالی حسینی شهید میشود بر بالای سرش حاضر میشود. و رو به شهید می کند و می گوید خوشا به سعادتت که به لقا □ الله پیوستی بعد از این جمله با خمپاره

اٲی می آید و روح ٲرفتوحش را به جوار حق تعالی ٲیوند میدهد. /

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد

وصیت نامه

بسمه تعالی

□ وصیت نامه شهید علیرضا چشم آلوس □

وانت حسن بهذا البلد ووالد و ما ولد لقد خلقا لانسان في كبد . خداوند بارها در قرآن قسم یاد می کند تا کنه و عمق مطلب را برساند. حال نمی گوید و السما □ و الطارق . نمی گوید والفجر و لیل عشر . نمی گوید والیل اذا يغشى نمی گوید و الشمس و الفجر ها و القمر اذا تليها . می گوید سوگند به این بلد (مکه معظم و مسجد کعبه معظم) یعنی اینکه حتما □ به این خانه محترم و معظم و مکه مکرمه سوگند می خورم و حال آنکه تو ای رسول گرامی در این بلد منزل داری و قسم به پدر بزرگوار انسان آدمی صبی و فرزندان او که لقد خلقنا الانسان في كبد . ما نوع انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم حال انسانی که خداوند به این مکه معظم یاد کرده حال که به آدم صبی الله و فرزندان از سوگند یاد نموده که انسانی در سختی آفریده انسان چگونه خواهد توانست در مقابل این سختیها ایستادگی نماید و آن چیزی که خدا از او می خواهد باشد. این جاهل فی الارض و خلیفه . آری خداوند خلیفه الله در روی زمین خلق کرده است. خداوند همانطور که سختی را آفریده را اچاره اش را هم فراهم نموده است.

و لنبلونكم حتى نعلم المجاهدين منكم والصابرين (یقینا □ شما در بوته آزمایش قرار می دهیم که افراد مجاهد و نیز صابرين شناسایی شوند) خداوند در قرآن کریم می فرماید: اگر کسی در مقابله با مصیبتها ناگواری ها و کمبودها صبر پیشه کند اول □ این صبر او عبادت است ثانيا □ خداوند به او بشارت می دهد . اولئک صلوات من ربهم و رحمه . درود باد بر چنین صابری که بلا برای او پیش آمد و استقبال می کند و در جهت خودسازی استفاده می نماید. علاوه بر اینکه خداوند بر این فرد درود می فرستد . می فرماید: که هدایت شده است و عمده مطلب هم همین است زیرا هدایت چند قسم است. ۱- هدایت تکوینی این هدایت بر تمام هستی صدق می کند ربنا الذی اهلی کل شی حاقه ثم هدی (طه ۵۰). خداوند کسی است که خلق می کند و نحوه زندگی را هم یاد میدهد . مثلا □ زندگانی زنبور عکس به این نحو هدایت تکوینی گویند. ۲- هدایت تشریحی : قرآن انبیا □ علما، روحانیت و وسیله هدایت مردم هستند و راه و روش را برای مردم تبیین و هدایت تشریحی دارند شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن هدی للناس و سوره بقره ۱۸۵) قرآن در ماه مبارک رمضان بر قلب نورانی رسول خدا (ص) نازل شد برای اینکه مردم را هدایت کند انا هدیناه السبیل اما شاکرا □ و اما کفورا □ (سوره انسان آیه ۳) ما راه را نشان می دهیم. این مردم هستند که باید انتخاب کنند راه سعادت یا شقاوت ۳- هدایت ایصال الی المطلوب : در قرآن از این هدایت شده است در این هدایت خداوند دست بنده را می گیرد به مطلوب می رساند عنایت خاص حق در این حال شامل حال بنده است. همیشه متوجه عباد است. هدی المتقین ناظر به همین معنی است. اما انسان موجودی است که بقول امام امیرالمومنین (ع) اوله نطفه آخره جیفه میان لجنزار اول نطفه و آخر جیفه مردار قرار داد و همان انسان مردار را در مورد خلقتش خود را تحسین می کند و می فرماید فتبارک الله احسن الخالقین .

انسان از جبرئیل هم مقامش و قرب منزلتش بالاتر می رود و همانگونه میشود که خداوند می خواهد و يجعلکم خلقا الارض . و شما را خلیفه در روی زمین قرار دادیم . در مناجات شعبانیه چنین اسالک الی الله را معرفی می نماید: الکلام خمیسکر القلوب و العقول ما کان منه بغیر الله . سخنی و صحبتی که از برای خدا گفته نشود مانند خمر

موجب سکران و مستی قلب و عقل انسان می شود بدان معنا که انسان ابتدا سخنان و صحبت هایش بایستی از برای خدا باشد. در غیر این صورت مانند خمر موجب سکران عقل انسان می گردد. بعد میگوید: یورث الصمت الحکمه المعبفه حاصل خاموشی حکمت است و حاصل حکمت معرفی و آگاهی است و یورث المعرفه و خیل و حشم و بدبختی در جلو و در پشت سر او آمریکای جنایتکار و شوروی و اسرائیل غاصب قرار دارد) با دل ، آکنده مملو از عشق خدا خود را به قلب دشمن زده شجاعانه با شهامت خود را به صفوف نبرد رسانده و در انتظار و سوز و گداز و بیقرار شهادت لحظه شماری کردند و پس از زمانی کامل سرانجام در بامداد در خیل وصال و دیدار معشوق شتافتند و به مصداق فمنهم من قضی یحبه جاودانه گشتند و ایکاش نام ما نیز در زمره و منهم من ینتظر رقم خورده باشد. مجاهد در جبهه بجائی میرسد که مظهر جمال و جلال حق تعالی میشود. اینها برای خدا از هر چه دارند میگذرند و لذت در سنگر و جبهه اینان را احدی جز خودشان نمیدانند. لذا عاشق هنگام دیدن معشوق و خلوت با او چگونه است؟ اینها هم همان طوراند اینان شب هنگام به خواب پشت پا می زنند و مشغول راز و نیاز با پرورگار میشوند و ندای الله اکبر سر میدهند آری جبهه است که این گونه آدم میسازد و وقتی شخص از جبهه بر میگردد. زاهدی تمام معناست ، زاهد یعنی آزاد از تمام هوی و هوسها و آزاد از نفس اماره بطوریکه همه اعضا و جوارح و کنترل شده است. آری جبهه مکتب است و جوارح الله است و محلی است که انسان می تواند به وجه الله نظر کند. شهید بواسطه جهاد با نفس و جهاد اصغر به جنات عدل راه می یابد و به رضوان الله دست می یابد. و به رضوان الله دست می یابد و به جوار الله میرسد مصداق یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی میگردد. جبهه نعمت است چه جبهه و جنگ مشکلاتی دارد اما نعمت بزرگی است انسان ساز و مکتب عالی است ، سنگر تجلی گاه نور خداست. شاید سنگر مسجد مقدس تر باشد. علی (ع) می فرماید: المومن اعظم حرمة من الکعبه المومن اعظم حرمة من الملك المقرب. مومن حرمتش از کعبه بالاتر است و سنگر مومن هم از کعبه بالاتر است و سنگر مومن هم از کعبه بالاتر است. میدان نبرد و جبهه مسد الحرام نیست بلکه بالاتر است نور خداوند در آنجا متجلی است. تجلیگاه عشق است. دست عنایت والی اله الا عظم امام زمان (عج) در جبهه ها و سنگرهاست آری جبهه حقیقتاً نعمت بزرگی است و رزمندگان سپاهی در جبهه این مکتب انسان ساز باید خود را چنان بسازند که هنگام برگشتن خود مربی و معلم دیگران باشند سپاهی باید از چهره ملکوتیش دیگران غبطه بخورند و بی است برای سپاهی که امام عظیم الشان با آن مقام رفیع معنویتش بفرماید: ایکاش منهم یک پاسدار بودم و یا بفرماید از چهره ملکوتی شما غبطه می خورم که چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی این فجر نوین رهائی مستضعفان جهان می گذرد و فصل تازه ای از مبارزات حق طلبانه ملتها در راه استعمارزادئی آغاز میشود بار دیگر پنجه های خون آلود آمریکای جنایتکار از آستین صدام و سرنیزه های آغشته به خون اسرائیل غاصب بدر آمده و بر رخسار گلگون انقلاب نو پای ما قیام ملت های مظلوم و در بند فلسطین و لبنان عزیزم زخم تجاوز میکشد اکنون روز جهاد است. روز جهاد، روز نبرد با کفر جهانی، نبردی که هابیل با قایل تا کنون سیر تاریخی خویش را طی نموده تا رهبری حضرت محمد (ص) و ادامه آن در صحنه جانشین او نبرد امام حسین (ع) با یزیدیان و سیر این مبارزه تا خمینی این اسطوره مقاومت و ایثار، مبارزه ای که هماره غلبه هابیل بر قابلین، حسین با یزیدیان و خون بر شمشیر همراه بوده است و در این راه پیوند یاران با امام خویش همیشه رشته ای از خون بوده و همچنین مستحکم ما را استفاده جاودانه تاریخ قرار داده است.

ای برادران و خواهران همیشه مصائب اهل بیت اباعبدالله الحسین را زنده نگهدارید البته در روایتی است که ان القتل الحسین حراره فی قلوب المومنین لا تبرد ابداً. براستی که شهادت حسین (ع) در قلوب مومنین حرارتی بر پا کرده است که هرگز خاموش شدنی نیست ، آری این آتش خاموش شدنی نیست و بایستی ما آنرا هر چه فروزنده تر نگاهداریم هیچگاه خدا را از یاد نبرید و بخواهید که شما را حتی برای یک لحظه بحال خودتان وانگذارد در اعمالتان ، در سخنان در عبادتتان متوجه خدا باشید و غیر اینصورت آن صحبت همچون خمر موجب مستی عقل مستی میشود و آن همچون هیزم به آتش ریختن است زحماتی که شما در راه داشته باشید و تکیه بر ریسمان الهی بزنید و در حضور در صحنه مبارزه را که با رهبری امام امت پیش می رود در مد نظر داشته و عمل نمائید. برادران پاسدار ، برادران ارتشی ، برادران بسیجی رفتار و اخلاق اسلامی شما



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران